

مهدویت و موعودگرایی

جلسه چهارم

موضوع: استنادات تشکیل حکومت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

سوال این است که آیا ما را جع به تشکیل حکومت اسلامی ادله و استنادی داریم؟

سوال خوبی است ؛ ما میتوانیم مطلب را درون دینی جواب دهیم بر اساس روایاتی که از پیامبر عظیم الشان اسلام رسیده است هم از نظر عقلی و احیانا متفکرانی که در اینباره حرفی زده اند.

ما می توانیم به آیاتی از قرآن اشاره کنیم که حکومت واحد مهدوی را اشاره می کند : مثل آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء: ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون ...

ذیل این آیه مبارکه هم در متون اهل سنت هم شیعه روایاتی داریم که از پیامبر اسلام و در متون شیعه از امام باقر علیه السلام که تفسیر می کنند به اصحاب حضرت مهدی علیه السلام ..و برخی معتقدند که در واقع این آیه ، هنوز تاویلش نیامده است و طبیعتا در زمان ظهور منجی کل تحقق خواهد یافت.

یا سوره مبارکه نور : آیه ۵۵ ؛

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
وَلِيُمَكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ
كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و یا این آیه :

وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ
عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۖ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

در واقع با این آیات خدای متعال وعده یک حکومت جهانی را می دهد.

و یا این حدیث پیامبر ص :

قال رسول الله، الأئمة بعدي اثنا عشر أولهم علي بن أبي طالب و آخرهم القائم فهم خلفائي و أوصيائي و أوليائي و حجج الله على أمتي بعدي، المقر بهم مؤمن والمنكر لهم كافر.

و یا در روایتی دیگر هست که حضرت اسامی تمام ائمه را به جابر بیان می کنند و این احادیث د رمنابع اهل تسنن هم آمده است. و یا در حدیثی دیگر آمده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلُهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ - تَعَالَى ذِكْرَهُ - عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا

در هر صورت با توجه به این آیات و روایات حکومت جهانی مهدی در واقع امر وعده داده شده ای است .

و طبیعتا بر مهدویت هم تطبیق داردالبته بسیاری از مشکلات به خاطر تعدد حکومت ها است گرچه حکومت واحد هم بی مشکل نیست.

آلبرت انیشتین می گوید: دنیا تا به حکومت واحد نرسد، جنگ و دعوا و نابرابری و نابرداری از او رخت نخواهد بست .

شبهه این تعبیر را هم راسل دارد: مادام که یک حکومت جهانی در دنیا وجود ندارد رقابت برای کسب قدرت ما بین کشورهای مختلف وجود دارد؛

باز کانت تعبیری در این باره دارد؛ ایجاد نظم منوط به وضع یک قانون جهانی است ؛ این همان است که مذاهب آنرا خواسته اند . و این همان است که پیامبران از دوران پس کهن برای تحقق بخشیدن به آن به پا خاسته اند و خروش برآورده اند و بدین گونه خواستند که روشنگر تاریکیها باشند .

هر عقل مسلمی معتقد است که اگر این مرزها و تبعیض ها از بین برود، این نظامی گری ها از بین برود مشکل حل خواهد شد که البته این کار صرفا با یک حکومت مهدوی تحقق خواهد یافت.

بنابراین من فکر می کنم برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی هم از آیات وهم از روایات هم از عقل می توان استفاده کرد. و از اینها استنباط نمود.

تا بحث از حکومت جهانی مهدوی به میان می آید ،دو مشکل خود را نشان میدهد.

یکی این است که آیا انسان ها تمکین می کنند ؟

و سوال این است که این همه تفاوت ها در ملیت ها چگونه می خواهند ظل حکومت واحد مهدوی جمع شوند؟

سوال دوم این است که یک حاکم آیا این قدر می تواند مقتدر باشد که پاسخ تمام کشورهای جهان را بدهد یا نه ؟

اگر ما در یک فضای کنونی نگاه کنیم، به نظر می‌رسد که مطلب همین‌گونه است و آسیب همچنان خود را نشان می‌دهد. اما اگر تصور کنیم که بشر به قدری رشد فکری می‌کند به قدری معنویت‌گرا می‌شود که می‌تواند مصالح کلان جهان را بفهمد و لازم نیست که به یک رنگ یا مرز یا عادت خاص اصرار بورزد.

در روایتی هست که امام علیه السلام وقتی ظهور می‌کند مردم را بالا می‌کشند؛ اذاً قام قائمنا یضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم؛

در واقع مردم به بلوغ می‌رسند و.... و یک فضایی ایجاد می‌کند که عقل‌ها به هم گرایش پیدا کند و صبر و بردباری در عین قدرت داشته باشد.....

اگر ما چنین دنیایی را فرض کنیم به نظر شما اگر ده میلیارد پیغمبر بخواهند کنار هم زندگی کنند آیا با هم ستیزه می‌کنند؟

ما باید به این حکومت برسیم

ما در روایات داریم که حضرت زمانی ظهور می‌کنند که مردم برای آمدن یک مصلح شدیداً تشنه‌اند...

و باز در روایات است که مردم راه خروجی را طلب می‌کنند ولی پیدا نمی‌کنند.

می‌بینند تکنولوژی جواب نداد؛ میلیتاریزم جواب نداد و یا سازمان‌های عریض و طویل جواب نداد شاید قدری توانست التیام بیاورد اما هیچکدام نتوانست مشکلات را حل کند.

در یک جمعیتی آماده و در یک جمعیتی عاقل و حلیم که عقل‌ها کامل شده است امام علیه السلام می‌آیند. الزاماً این هم نیست که اگر چنین حکومتی تشکیل شد با تمام عادات و رسوم مبارزه شود.

این‌طور هم نیست که وقتی حضرت می‌آیند با تمام داده‌های فکر بشری درگیر شوند.

چه بسا که بسیاری از این داده‌ها منشا عقلانی دارد لذا برخی که به نام علوم اسلامی انسانی سعی بر این دارند چنین رویکرد متصلبانه‌ای داشته باشند؛ راه به جایی نمی‌برند؛ چه بسا که بسیاری از این داده‌ها، اقتضای درک عقل است.

در زمان مهدویت از مزایای حکومت جهانی واحد استفاده می‌شود و از آسیب‌های احتمالی هم رها است.

با این‌که در زمان خلفا و بعد آنها اسلام عرصه وسیعی از کشورهای مختلف را تحت انقیاد خود در آورده بود با این‌که کارگزاران انسانهای صالحی نبودند قطعاً در زمان امام زمان علیه السلام این جریان قدرت و قوت و وسعت بیشتری پیدا خواهد کرد. من در جلسه دیگری ویژگی‌های کارگزاران امام را معرفی خواهم کرد.....